

آمیولاتس

خاتمی غیرمجاز



پوریا عالمی

• دکتر شیرینی جات را برای من ممنوع کرده، چون قندم بالاست. قدم هم بلندبالاست برای همین صندلی جات را هم ممنوع کرده. یعنی نه می‌توانم شیرینی بخورم، نه می‌توانم شیرین کاری کنم. نه می‌توانم از صندلی استفاده کنم. یعنی هم ممنوع است بروم بالا و لامپ را پیچم، هم ممنوع است بنشینم روش و جهان را مدیریت کنم.

حالا این که من هستم و می‌دانید من از هفت دولت آزاد هستم. اما محمد خاتمی چی؟ که از هفت دولت آزاد نیست و خودش رییس دولت هفتم و هشتم بوده. کم نیست‌ها. هفت هشت تا می‌شود ۵۶ تا. ۵۶ هم کم نیست‌ها. خیلی‌ها از چهارسال پیش وارد سیاست شدند الان به‌عنوان پیشکسوت می‌آیند تلویزیون و می‌گویند ریش و قیچی خاتمی هم دست آنهاست و ریش خاتمی پیششان گرو است. منتها حواسشان نیست خاتمی این موها را توی آسیاب سفید نکرده و سال‌هاست این آردها را الک کرده و الکش را هم آویخته.

از طرفی دکتر قند را برای ما ممنوع کرده که خیلی شیرین هستیم، چرا خاتمی باید پاسوز ما شود؟ به نظر ما خاتمی را نیز چون خودش قندونبات است، شکلات است شکلات است و عباى شکلاتی هم دارد و گروهی می‌خواهند ممنوعش کنند. قرار شده به‌جای خاتمی که شیرین است، قند مصنوعی و خاتمی مصنوعی و شیرینی مصنوعی جایگزین شود. از طرفی خاتمی شیرین است و آدم می‌بیندش قند توی دلش آب می‌شود. اما یک‌عده هستند که گوشت‌تلخ هستند. حالا یک عده هم هستند که شیرین می‌زنند که ربطی به بحث ما ندارد.

خاتمی ممنوع‌البیان شده؟ حتماً به‌خاطر خود خاتمی این حرف را زده‌اند. چون خاتمی شیرین‌بیان است و قندش بالاست و شیرینی نباید مصرف کند. از طرفی چون شیرین‌بیان دهان که باز کند نقل و نبات می‌ریزد این حیاط و آن حیاط و بادابادا مبارک بادا راه می‌افتد و داستان می‌شود.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۸ تیر ۱۳۹۳ • ۱۱ رمضان ۱۴۳۵ • ۹ جولای ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۲۰۶۰ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۴۴ • اذان صبح فردا ۴:۱۲ • طلوع آفتاب ۵:۵۷

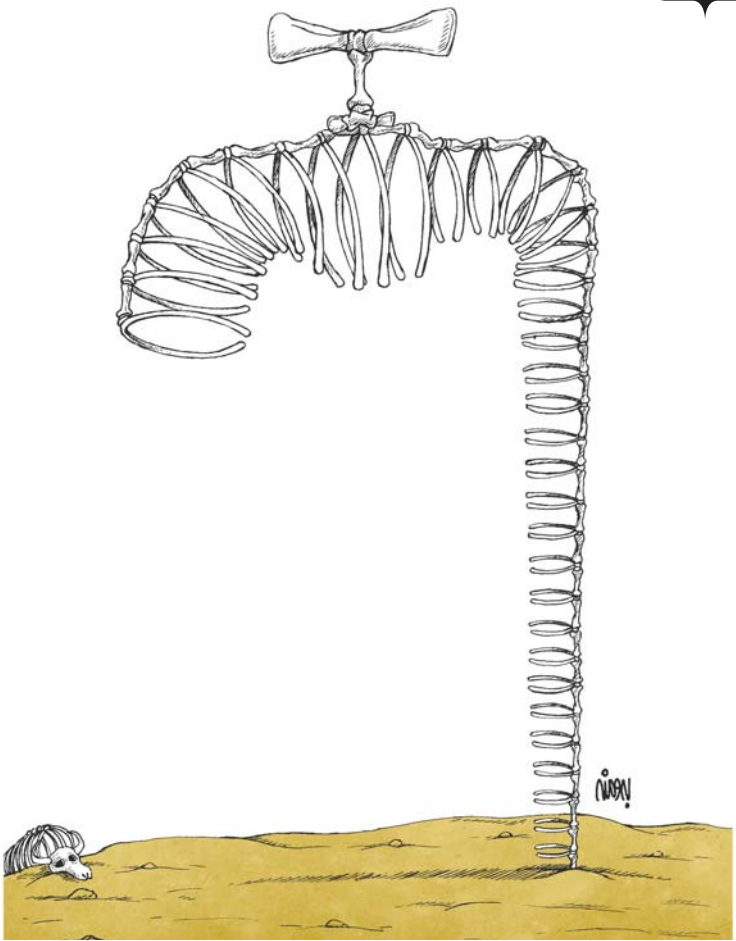
روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

پیام برومند

payam.borumand@gmail.com



پاسخ به فراخوان

کتاب به جوان‌ها هدیه کنیم



محمد بسته‌نگار

پذیرایی کنند و مایقی این هزینه را صرف امور خیریه کنند. اصل رسم دور هم جمع‌شدن افراد، رسمی بسیار خوب است که باید آن را زنده نگه داشت اما باید حتماً تأکیدمان بر این باشد که سفره‌هایمان ساده باشند. در عوض مبلغ مایه‌التفاوت مختصر شدن سفره‌های اقطارمان را صرف آگاهی جوان‌ها کنیم. پیشنهاد من این است که این هزینه را صرف خرید کتاب کنیم و به جوان‌ها کتاب هدیه بدهیم. خرید بعضی کتاب‌ها در این

روزگار، با توجه به گران‌شدن قیمت کتاب، برای جوان‌ها واقعا دشوار است و رسم خوبی است اگر بزرگ‌ترهایی که از تمکن مالی برخوردارند، هزینه خرید کتابی را برای جوان‌ها پرداخت کنند تا به این شکل در راه آگاساختن جامعه قدمی برداشته باشند. البته در وهله بعد هم می‌توانیم، مبالغی را هم صرف امور خیریه از جمله کمک به مناطق زلزله‌زده کشورمان بکنیم؛ که این هم امری نیکوست.

پنجره فردا

برد و باخت زندگی



حسین ستاپور

که قدمی ما را به آنچه می‌خواستیم نزدیک کرده یا دور. می‌خواهم بگویم زندگی بازی برد و باخت نیست، اما این را چطور نشان بدهم؟ نمی‌دانم فقط می‌دانم در موقعیت هر آدمی که قرار می‌گیریم، یا حرف‌های هر آدمی در هر موقعیتی را که می‌شنویم، می‌بینیم؛ اگر نه همه، اغلبشان از چیزهایی حرف می‌زنند که از دست داده‌اند و برای همین باز اغلبشان آرزوی موقعیت دیگری داشته‌اند؛ چه آنها که به ثروت رسیده‌اند و چه آنها که به شهرت و چه آنها که به شرایط متفاوت و ظاهراً بهتری برای زندگی، همه می‌خواهند در موقعیت دیگری و احیاناً به‌جای کسی دیگر باشند، به جای کسی معمولاً مشهور و موفق. اما آدم‌های موفق هم معمولاً می‌خواهند، اگر نه در جای آدمی دیگر، که در موقعیت دیگری باشند. آیا کسی هست که خودش را دست‌کم در موقعیت دیگران نخواهد؟ به نظرم فقط کسی که به خود موقعیتش و به خودش فکر می‌کند. اما اگر خودمان را یاد دیگری و دیگران مقایسه نکنیم، چطور بفهمیم که چقدر به دست آورده‌ایم و اصلاً کجا هستیم؟ راه دیگری به جز مقایسه موقعیت خودمان با دیگران هست تا بفهمیم که هستیم و کجا هستیم؟ به گمان من خود امروزمان را با خود دیروز و

دیروزها مقایسه کنیم، که از کجا و کجاها به اینجا رسیده‌ایم. مقایسه خودمان با دیگران همیشه ما را در وضعیت نابه‌دلخواه و باخت فرضی قرار می‌دهد. همین هم می‌شود که مدام فکر می‌کنیم کشورمان، شریک زندگی‌مان، کارمان و خانواده‌مان آنچه را که باید به ما نداده و ما در موقعیت اشتباه و نابه‌دلخواه قرار گرفته‌ایم برای همین هم مدام سعی می‌کنیم یکی یا اصلاً همه اینها را عوض کنیم. اما گرچه عوض شدن اینها موقعیت ما را عوض می‌کند، اما آیا به ما احساس رضایت دایمی (و نه موقت) می‌دهد؟ به نظرم فقط در صورتی تغییر موقعیت به ما احساس رضایت دایمی می‌دهد که خودمان هم در آن جیتی که می‌خواهیم عوض شده باشیم، و گر نه مدتی بعد از آن تغییر موقعیت، دوباره از همه‌چیز ناراضی خواهیم بود. رضایت واقعی به نظرم در تغییر خودمان است به سمت چیزی که می‌خواهیم باشیم و عوض کردن موقعیت هم اگر کمکی به این تغییر نکند، فقط ما را ناامیدتر و دل‌زده‌تر می‌کند از امکان تغییر و از خودمان. بردی اگر وجود داشته باشد، همان تغییری است که کرده‌ایم در جهت آنچه می‌خواستیم (و نه می‌خواستند) باشیم، نه چیزی دیگر.

تشنگی زمین

وقتی شیر آب هم تشنه می‌شود



اسماعیل کهرم

شیر آب را باز می‌کنند، اما آبی نمی‌آید! ناگهان همه رنگ‌ها به خاکستری، همه صداها و به سکوت و همه لیخندها به اشک بدل می‌شود. این تصویر یکی از فیلم‌هاست که بحران آب را هشدار می‌دهد؛ بحرانی که امروز پیش‌روی ماست و اگر فکری به‌حال آن نکنیم، ممکن است فردا دیگر صرفه‌جویی نیز بی‌فایده باشد. پدران ما در روزگار قدیم، باید از عمیق‌ترین نقاط

آب‌انبارها، آب آشامیدنی را تامین می‌کردند، امروز کافی است شیر آب را باز بگذارید تا قطره‌های زندگی‌بخش آب شروع به باریدن کنند اما هرچقدر دسترسی ما به آب راحت‌تر شده، آب کمتری هم برایمان باقی مانده است. باید از همین حالا به روزی اندیشید که حتی شیرهای آب هم طعم تشنگی گرفته‌اند و از همین حالا برای ترسیدن به آن روز تلاش کرد.



Life's Good

بچه‌ها متغیریم...



و اکنون ...

تخفیف بیشتر

برای گل زده در برزیل

به مدت محدود

۰۲۱-۸۴۷۳۳۳ www.goldiran.ir

پاسخ گویی و خدمات ۲۴ساعته/۷روز هفته (بدون تعطیلی)



Pink Service

ارائه خدمات توسط زوج تکنسین (تهران)



گل‌دیران
روی خوش زندگی